

ی‌ها

آدم‌های عادی نمی‌زنند و موقعیت‌اش را داشته
د. آخرین قربانی سلبریتی علی دایی بود که همین
مالباختگانی که دزدان‌المالشان شناسایی نشده
د عادی صورت گرفته بود به این زودی دستگیر
بودند و برای پلیس بین افراد عادی و سلبریتی‌ها

ی بدون کفش‌های کتانی!



عم از آن سرقت‌هایی بود که حسابی دل نکونام را
ید. او به شرکت ناپکی، سفارش ساخت یک جفت
ک داده بود که بسیار به آن علاقه داشت. سال ۹۴،
نکونام به رختکن رفت تا برای تمرین کردن با بقیه هم
هایش آماده شود که ناگهان متوجه به سرقت رفتن
هایش شد. او به قدری از به سرقت رفتن کتانی‌ها
ت بود که عطای تمرین را به لقایش بخشید و فقط
هم تیمی‌هایش را تماشا کرد.

سرقت بنز آقا فیروز



فیروزگریمی را خیلی‌ها می‌شناسند، یک
مربی فوتبالی خوش صحبت و بسیار
رک. دزدها یک بار هم به او زده‌اند. بیست
و چند سال پیش، آقا فیروز، خودروی
بنزی خریده بود و دیگر علاقه‌ای به تمدید
قرارداد با باشگاهش نداشت. موضوع را
هم به مدیریت باشگاه اعلام کرد. هنوز
نیم ساعت از اعلام این خبر نگذشته بود
که دزد بنز آقا فیروز را برد. او چند روز دنبال
خودرو گشت، اما انگار آب شده و به زمین
رفته بود. سرانجام چند روز بعد این خودرو
پیدا شد.

دزدی از آشیانه عقاب



عابدزاده، دروازه‌بان سابق
تیم ملی‌کشورمان که لقب عقاب آسیا
را یدک می‌کشد هم، فروردین امسال
مورد لطف سارقان قرار گرفت و آن‌ها از
خانه‌اش، لباس ورزشی، کفش، تمام
عکس‌ها و خاطراتش را به یغما بردند.
عابدزاده هنوز در شوک سرقت اول بود که
این بار سارقان به مغازه او دستبرد زدند و
لوسترهای مغازه‌اش را به سرقت بردند.

دزدان تاریکی در کمین ایزدیار



برای دزد اموال پریناز ایزدیار، هنرپیشه
سینما و تلویزیون هم فرقی نمی‌کرد او
کیست. سال ۹۵، وقتی ایزدیار آخر شب
می‌خواست دنبال دوستش در محله
فرمانیه برود، دودزد موتورسوار به او حمله
کردند: «شیشه سمت راست ماشین را
پایین داده بودم تا آدرس بیرسم و برای
همین یادم رفت شیشه را بالا بکشم.
همیشه عادت داشتم کیفم را روی صندلی
جلو بگذارم که آن شب هم همین طور
بود. همان لحظه دیدم یک نفر از پشت به
ماشین نزدیک شد. چون تاریک بود، فکر
کردم دوستم است، اما در یک لحظه آن
جوان تا کمروارد ماشینم شد و کیفم را قاپ
زد. کیف را چنگ زدم تا دزد آن را نبرد، اما دزد
بامشت ضربه محکمی به من زد و بعد ترک
موتور رفیقش پرید و با هم فرار کردند.»
سارقان کیف ایزدیار خیلی زود دستگیر
شدند، اما به گفته خودش نه کیف پیدا
شد و نه مدارکی که داخلش بود.

۳ دلیل سرقت از سلبریتی‌ها

اولین، مهمترین و اصلی‌ترین علت سرقت از افراد مهم
جامعه، فقر، بیکاری و کسب درآمد است، زیرا ذهنیت امروز،
بر اساس تئوری سوروکین، بر پایه مادیات است. دنیای امروز،
دنیای مادیات است و افراد دیگران را بر اساس دارایی‌هایی که
دارند، قضاوت کرده و شخصیت‌گذاری می‌کنند. در شرایطی که
سه و نیم میلیون بیکار در کشور وجود دارد و مردم در تامین معیشت خود دچار مشکل
هستند، پول مهمترین حرف را می‌زند. از بُعد دیگر، اشیای متعلق به سلبریتی‌ها ارزش
فرامادی دارد. برخی سارقان گاهی این موضوع را بین هم‌پالکی‌ها و همقطاران خود مطرح
می‌کنند که چه کسی می‌تواند، گردنبد، تلفن همراه یا اشیای قیمتی فلان چهره مطرح را
سرقت کند. این ادعا باعث می‌شود که رقابتی بین آنها به وجود بیاید اگر سرقت موفق
شود، سارق گردن فرازی می‌کند که توانسته است گردنبد یا تلفن همراه فردی مثل علی
دایی را بدزدد، گاهی هم تنها به دلیل ارزش مادی آن شی دست به سرقت می‌زنند تا پولی
به دست آورند. اینجا ارزش مادی مال دزدی مهم است.

چرا از سرعت عمل پلیس انتقاد می‌شود؟!

در جرم‌شناسی بحثی به نام «محاسبه ریسک» وجود دارد که
بر اساس آن، افرادی به دلایل مختلف هدف خوبی تلقی شده
و در معرض سرقت یا سایر جرایم قرار می‌گیرند، چون این طور به
نظر می‌رسد که سرقت از آن‌ها به ریسک آن می‌ارزد. در خصوص
جرایم دیگر مانند اخاذی، علت عمده جلب منفعت معنوی مثل
کسب شهرت یا به دست آوردن ارتباطی خاص و نظیر آن است. مهمترین دلیل آن نیز
همان طور که اشاره شد، ارزیابی ریسکی است که مجرمان انجام می‌دهند. بحث دیگر در
خصوص سرعت دستگیری سارقان چهره‌هاست و شاید این سوال پیش آید که چرا در
چنین مواردی پلیس به سرعت وارد عمل می‌شود، اما پرونده مردم عادی زمان می‌برد؟
در خصوص سرعت عمل پلیس باید گفت که در این گونه موارد، اقتدار قضایی و ضابط
قضای در بوته آزمون قرار می‌گیرد. در واقع، اقدام سریع نشان دهنده کفایت آن سیستم
است. این یک تعریف خوشبینانه است. نگاه بدبینانه این است که بگوییم در نظام
پلیس و نظام عدالت کیفری، پلیس بیشتر در خدمت یک طبقه خاص است. حال اگر این
نگاه را هم نداشته باشیم، دست کم، خودش را به بوته آزمون می‌گذارد. موضوع دیگر این
است که منطقه‌ای که در آن سرقت انجام شده، ارتکاب این جرم شایع نیست و افراد
خاصی اقدام به این عمل مجرمانه می‌کنند. این‌ها معمولاً بیشتر از چند روز هم دست به
این کار نمی‌زنند و منطقه محل فعالیت‌شان را تغییر می‌دهند. به همین دلیل، شاید اگر
نه از این چهره، بلکه از فرد دیگری هم سرقت می‌شد، هویت سارق به همان سرعت فاش
می‌شد. سوال بعدی این است که آیا در تمام پرونده‌ها این میزان حساسیت وجود دارد،
پاسخ این است که انصاف اقتضا می‌کند در همه پرونده‌ها این ریزبینی وجود داشته
باشد، اما امکانات پلیس این اجازه را نمی‌دهد. به نظری آید برخی مردم نسبت به سرعت
عمل پلیس در کشف هویت سارق گردن‌بند علی دایی انتقادهایی داشته‌اند. باید بگوییم
که پرونده سرقت‌های کشف نشده که هویت مجرم در آن کشف نشده و مالباخته به
مالش نمی‌رسد، چندان چشمگیر نیست. در حال حاضر در انگلیس و بر اساس
تحقیقات سال ۲۰۱۸، ۷۰ درصد سارقان ردیابی نمی‌شوند و اگر هم شوند، اموال به سرقت
رفته بازگردانده نمی‌شود. اینجا باید به دو مساله مهم توجه داشت. اول این که این قضیه
باید در کشور ما اصلاح و خسارت بزه‌دیده جبران شود. نباید تنها به این اکتفا کرد که سارق
دستگیر شود، بلکه سیستمی مانند یک سیستم بیمه یا صندوق حمایت از بزه‌دیده که
در برخی کشورها هم فعال است، در کشور فعال شود. در ۹۰ درصد موارد، اگر جبران
خسارت شود، میزان درد و رنج بزه‌دیده نیز کاهش پیدا می‌کند. در مرحله دوم، باید یک
سیاست پیشگیری از جرم مشخصی داشته باشیم که در حال حاضر نداریم. یعنی باید
مشخص شود که سیستم پیشگیری ما وضعی است یا اجتماعی، اگر وضعی است که باید
به دوربین‌های مدار بسته، ناظران خیابانی و کنترل‌های اجباری متکی باشیم و اگر هم این
سیستم از نوع اجتماعی است.

آقای خاص نداریم

بعد از ماجرای سرقت از علی دایی و دستگیری سارق، در برخی از خبرها موضوع طوری مطرح شد که گویا پرونده
به شکل ویژه و جدا از دیگر شکایان بررسی شده است؛ در حالی که اینطور نبوده و از نظر پلیس هیچ فرقی بین
شهروندان وجود ندارد همچنان که اگر فردی مرتکب جرمی هم شود از نظر پلیس تفاوتی میان شناخته شدن
بودن یا نبودن وی وجود ندارد. در پرونده دایی هم این موضوع مورد رسیدگی قرار گرفت و این سارق به خاطر
سرقت دیگری که انجام داده بود از چند روز قبل از سرقت از علی دایی نیز تحت تعقیب پلیس قرار داشت و هنگام
دستگیری هم ماموران ابتدا نمی‌دانستند که فرد دستگیر شده سارق گردن‌بند آقای دایی است و در جریان بازجویی‌ها و کسب شواهد
متوجه آن شدند. پلیس با سرقت‌های خاص به صورت ویژه برخورد می‌کند اما در رسیدگی به پرونده‌ها افراد خاص نداریم و همه
شهروندان برای پلیس در یک جایگاه قرار دارند و تلاش همکارانم در نیروی انتظامی، ایجاد امنیت برای تمام هموطنان است.



باید در کشور ما اصلاح
و خسارت بزه‌دیده
سرقت جبران شود.
ناباید تنها به این
اکتفا کرد که سارق
دستگیر شود، بلکه
باید سیستمی مانند
یک سیستم بیمه یا
صندوق حمایت از
بزه‌دیده فعال شود

